

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۶۹) : لو خرج بالتجشؤ شيء ثم نزل من غير اختيار لم يكن مبطلاً ، و لو وصل إلى فضاء الفم قبله اختياراً بطل صومه وعليه القضاء والكفارة بل تجب كفارة الجمع إذا كان حراماً من جهة خبائثه أو غيرها.

صاحب عروة در این مسئله سه مطلب را بیان می کند ؛ اول اینکه اگر شخص صائم باد گلو بزند و چیزی از داخل معده اش بالا بیاید و سپس بدون اختیار پایین برود اشکالی ندارد و روزه اش باطل نمی شود زیرا این شخص هیچ اختیاری نداشته ، مطلب دوم اینکه اگر بعد از اینکه به فضای دهان رسید عمداً آن را قورت داد روزه اش باطل است و هم قضا و هم کفاره دارد ، و مطلب سوم اینکه می توان گفت که آن چیزی که به فضای دهان رسیده خبیث است و اکل خبیث هم حرام است فلذا اگر عمداً آن را قورت بدهد افطار به حرام کرده است و در افطار به حرام باید کفاره جمع بدهد . اما درباره مطلب اول باید عرض کنیم روایاتی داریم که بر این مطلب دلالت دارند من جمله صدر خبر ۹ از باب ۲۹ که خواندیم و همچنین اخباری که در باب ۳۰ از ابواب مایمسک عنه الصائم قرار دارند بر این مطلب دلالت دارند ، اما خبر اول از باب ۳۰ این خبر است : « محمد بن یعقوب ، عن محمد بن یحیی ، عن محمد بن الحسين ، عن علی بن الحکم ، عن العلاء بن رزین ، عن محمد بن مسلم قال : سئل أبو جعفر (ع) عن القلس ، یفطر الصائم ؟ قال : لا . » . خبر سنداً صحیح می باشد و دلالت دارد بر اینکه اگر کسی بادگلو بزند و چیزی به فضای دهانش بیاید و بدون اختیار پایین برود اشکالی ندارد و موجب بطلان صوم نمی شود .

خبر دوم از باب ۳۰ این خبر است : « وعنه ، عن محمد بن أحمد ، عن أحمد بن الحسن ، عن عمرو بن سعید ، عن مصدق بن صدقة ، عن عمار بن موسی ، عن أبي عبد الله

(ع) قال : سألته عن الرجل يخرج من جوفه القلس حتى

يبلغ الحلق ثم يرجع إلى جوفه وهو صائم ؟ قال : ليس

بشيء . » . محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری قمی از

اجلای روات در طبقه ۷ می باشد و عمرو و مصدق و عمار هر سه

فطحی المذهب هستند ولی ثقه می باشند و خبر موثقه می باشد و

این خبر هم دلالت دارد بر اینکه اگر قلس به حلق برسد و

خودش مجدداً بدون اختیار به جوف برگردد اشکالی ندارد و

موجب بطلان صوم نمی شود .

خبر سوم از باب ۳۰ این خبر است : « وعنه ، عن أحمد بن

محمد ، عن عثمان بن عیسی ، عن سماعة قال : سألته عن

القلس وهي الجشأة يرتفع الطعام من جوف الرجل من

غير أن يكون تقياً و هو قائم في الصلاة ؟ قال : لا تنقض

ذلك وضوئه ، ولا يقطع صلاته ، ولا يفطر صيامه . » . عثمان

بن عیسی واقفی المذهب است ولی ثقه می باشد و خبر سنداً موثقه

می باشد و دلالت خبر بر مانحن فیه روشن است .

و اما خبر چهارم از باب ۳۰ این خبر است : « و باسناده عن

علی بن الحسن ، عن علی بن أسباط ، عن علاء بن رزین

، عن محمد بن مسلم قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن

القلس ، أيفطر الصائم ؟ قال : لا . أقول : وتقدم ما يدل

على ذلك . » . خوب این روایاتی که عرض کردیم دلیل هستند

برای مطلب اولی که در مسئله عرض کردیم و آن این بود که اگر

شخص صائم بادگلو بزند و چیزی به فضای دهانش بیاید و بعد بی

اختیار پایین برود اشکالی ندارد و روزه اش باطل نمی شود .

اما درباره مطلب دوم باید عرض کنیم که صاحب عروة می فرماید

که موجب بطلان صوم می شود زیرا یک نوع از اکل محسوب می

شود و در اکل لازم نیست که حتماً انسان چیزی را از خارج

بردارد و به دهانش بگذارد و بخورد بلکه اگر از باطن هم به دهان

بیاید و بعد انسان آن را قورت بدهد اکل صدق می کند فلذا این

شخص اکل عمدی انجام داده و معلوم است که اکل عمدی موجب

بطلان صوم می شود ، از این جهت مطلب بسیار روشن است ولی

ذیل آن خبر عبدالله بن سنان (خبر ۹ از باب ۲۹) جلوی خیلی ها را گرفته است که ذیلش این است: « قلت: فإن ازدرده بعد أن صار علی لسانه قال: لا یفطر ذلک ». بنابراین صاحب عروه و محشین می فرمایند که اگر به دهان آمد و عمداً آن را فرو برد روزه اش باطل است ولی ظاهر خبر می گوید که اگر عمداً هم این کار را کرد موجب بطلان صوم نمی شود و معلوم است که اسناد فعل به شخصی دلالت بر عمدی بودن آن فعل دارد و خبر هم سنداً صحیح می باشد. خوب حالا ما باید در اینجا چکار کنیم؟ آیت الله خوئی در مستندالعروه مطابق با مبنای خودش اعراض مشهور از خبری را موجب بطلان آن نمی داند و همچنین عمل مشهور را جابر ضعف خبر نمی داند از این جهت ایشان فرموده اند که ما در اینجا اجماع نداریم و از طرفی هم ما عمل مشهور را مؤثر نمی دانیم فلذا اگر شخص صائم باد گلو زد و چیزی به فضای دهانش آمد و بعد عمداً آن را فرو برد روزه اش باطل نمی شود البته ایشان در حاشیه عروه فرموده اند احوط این است که آن را فرو نبرد ولی فتوی نداده اند زیرا طبق مبنای ایشان دلیلی بر فتوی نداریم. آیت الله حکیم هم در مستمسک می فرمایند که این خبر سنداً صحیح است و دلالت دارد بر این که اگر چیزی را که به فضای دهان آمده عمداً فرو ببرد اشکالی ندارد و روزه اش باطل نمی شود. صاحب جواهر در ص ۲۰۳ از جلد ۱۷ جواهر درباره این خبر فرموده است که: « لم أجد عاملاً به: یعنی کسی را ندیده ام که به این خبر عمل کرده باشد و بگوید که اگر چیزی به دهان آمد و عمداً آن را برد روزه اش صحیح است بنابراین خبری است که معرض عنه است و مورد عمل فقها نیست پس ضعیف می شود و ما باید به قاعده مراجعه کنیم و قاعده هم می گوید که اکل صدق می کند فلذا روزه باطل می شود، و ما هم همین را می گوئیم و اعراض مشهور و عمل مشهور را در حصول اطمینان برای عمل به خبری مؤثر می دانیم.

اما در مطلب سوم صاحب عروه فرمودند که چون آن چیزی که به دهان آمده جزء خبائث است و خوردن خبائث هم حرام است فلذا اگر آن را قورت بدهد افطار به حرام کرده (صغری) و کفاره افطار به حرام کفاره جمع می باشد (کبری)، آیت الله خوئی در اینجا

هم مطلبی را ذکر کرده اند که توجه به آن لازم است ایشان فرموده اند اما مطلب سوم عروه که فرموده این جزء خبائث است صغراً و اکل خبائث حرام است کبراً هیچکدام درست نیست، اولاً صغری درست نیست چونکه خبیث چیزی است **تنتفر عنه الطباع** یعنی هر چیزی که طباع بشر از آن نفرت دارد پس ملاک عرف می باشد ولی اگر انسان بادگلو بزند و چیزی به فضای دهانش بیاید نسبت به خود شخص خبیث نیست یعنی حبّ نفس اقتضا می کند که انسان از رطوبات بدن خودش متنفر نباشد ولی انسان از رطوبات بدن دیگری متنفر است و جزء خبائث می باشد، ثانیاً کبری درست نیست زیرا ما دلیلی بر اینکه خبائث حرام باشند نداریم فقط یک آیه در قرآن وجود دارد که به آن استدلال کرده اند و آن آیه ۱۵۷ از سوره اعراف می باشد که در آن می فرماید یکی از اوصاف پیغمبر (ص) این است که طیبات را بر مردم حلال و خبائث را بر آنها حرام کرده است که البته ایشان می فرمایند که این آیه دال بر حرمت اکل خبائث نمی باشد زیرا مراد از خبیث در اینجا اعمال است نه ذوات یعنی پیغمبر (ص) خبائث را حرام کرده و خبائث اعمالی مثل زنا و لواط و شرب خمر و غیره می باشند منتهی بحث ما در اعمال نیست بلکه در ذوات است یعنی ذات آن چیزی که از حلق بیرون آمده است، بنابراین آیه دلالت بر حرمت اکل خبائث ندارد. مرحوم نراقی در اول کتاب مطاعم و مشارب مستند الشیعه در ص ۹ فرموده است که ما چند اصل داریم یعنی قواعد و اصول مربوط به مطاعم و مشارب؛ اصل اول این است که عقلاً و شرعاً و اجماعاً و کتاباً و سنتاً هر چیزی که اکل و شربش ممکن باشد حلال است إلا ماخرج بالدلیل، و اصل دوم این است که اصل در خبائث حرمت اکل و شرب است و دلیلش هم یکی اجماع و دیگری همان آیه که عرض کردیم می باشد (آیه ۱۵۷ اعراف)، و اصل سوم این است که اصل در اعیان نجسه و منتجسه از لحاظ اکل و شرب حرمت می باشد، و اصل چهارم این است که اصل حرمت اکل و شرب اشیاء مضرّ برای بدن می باشد، خوب وقتی که به این اصول مراجعه می کنیم ببینیم که اکل خبائث عقلاً و اجماعاً و کتاباً (۱۵۷ اعراف) حرام است لکن آقای خوئی می فرمایند که ما دلیلی بر حرمت خبائث نداریم و

مراد از آیه ۱۵۷ از سوره اعراف هم اعمال می باشد نه ذوات و بحث ما هم در ذوات است نه افعال ، بنابراین آقای خوئی هم صغری را قبول ندارد و هم کبری را ، البته ما عرض می کنیم که نوعاً انسانها نخاعه (خلط سینه) و نخامه (خلط سر) را دور می اندازند و آنها را قورت نمی دهند و از آنها نفرت دارند و آنها غیر از آب دهان می باشند فلذا ما خدشه آقای خوئی در صغری را قبول نداریم و از جهت کبری هم عرض می کنیم که شکی نیست که خیانت در اسلام عقلاً و اجماعاً حرامند البته گاهی در قرآن خیانت به افعال اطلاق شده است مثلاً در سوره انبیاء از عمل قوم لوط تعبیر به خیانت شده ولی در همه جا این طور نیست و درباره این آیه (سوره انبیاء) می توانیم بگوئیم که عام است و اتفاقاً آیت الله طباطبائی در تفسیر المیزان هم این آیه را عام معنی کرده است بنابراین ما هیچکدام از خدشه های آقای خوئی به صغری و کبری عروۃ را قبول نکردیم ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین